

ادبیات اسی

بهرمن سائین

مچان کتاب

تابستان ۹۷

سرشناسه

: حاجیان، بهروز، ۱۳۶۳-

عنوان و نام‌پدیدآور

: ادبیات اسبی / بهروز حاجیان.

مشخصات نشر

: زنجان: نیکان کتاب، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری

: ۳۸ ص.

شابک

: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۲۲۳-۶

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیپا

رصو

: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

ردیف کنگره

: ۱۳۹۲ الف ۴ الف ۴۱ الف ۱۵۵ / الف ۸۰۱۳ PIR

رده‌بندی دی‌جی

: ۸ فا ۳/۶۲

شماره کتاب‌شناسی

: ۳۳۹۲۸۳۰



ادبیات اسبی / بهروز حاجیان

امور فنی: نیکان کتاب

طراحی جلد: آتلیه سگال (رجبی - کرم)

چاپ اول: تابستان ۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۲۲۳-۶

دفتر نشر:

زنجان، چهارراه سعدی، روبروی بانک پاسارگاد، کوچه باقری، ساختمان سپهر، واحد ۴،

تلفکس: ۰۲۴-۳۳۳۳۵۵۴۱-۲

Email: Nikanketab@yahoo.com

www.nikanketab.ir

فهرست

صفحه

عنوان

۱.....	ادبیات آسی
۳.....	باران
۷.....	یک حادثه کوچک و خوب
۱۳.....	پسرک دیوانه مجنون
۱۹.....	برخورد
۲۱.....	قصر، زندان انفرادی
۲۷.....	سخن پرنده ها

سخن نویسنده (مقدمه)

ادبیات برای من راست و هنر به خودی خود زیباست. من داستان نویس یا راوی نیستم، من فقط کسی هستم که می خواهد اسبی را رها سازد تا همچون نیاکانش آزاد و رها، در دشتها، جنگل ها و دشته ها یورتمه رود و گاهی هم که خسته شد بچرد و استراحت کند و جان تازه ای بگیرد.

هنر یک اتومبیل نیست که با منحرف شدن یک تایر یا سوختن یاتاقانها و گیربکسش از حرکت باز ایستد، بلکه هنر یک چیز زنده است که همراه همیشگی انسان است. آبی است که از چشمه درون انسان سرچشمه می گیرد و نمی توان بوسیله قانده و قوانین و ائسم هایی آن را متوقف کرد چرا که با بستن راههایش از درزهای دیگری می جوشد و بالا می آید. روی سخن من با منتقدان و آن دسته افرادی است که برای هنر قانده و قوانین خاصی قائل اند و مدعی اند که هنر باید در چهارچوب این قواعد باشد؛ همچون رایانه ای که به آن برنامه ی خاصی نوشته شده، سعی دارند تا به افراد برای ایجاد هنر برنامه بدهند که این عمل منفک با ذات هنر است که از آزادی و سرگشتگی و افکار و اندیشه های درون آدمی سرچشمه می گیرد. در ذات هنر زیبایی وجود دارد، مخصوصا اگر از درون یک هنرمند خلاق سرچشمه گرفته باشد. همه ی انسانها در لحظه هایی از زندگی یشان هنرمندند، حال چه کشاورز باشند، چه فرش باف، چه یک مادر و چه بنا و ... اما هنرمندان واقعی آنهایی

هستند که به بهترین شکل می آفرینند و آفریده هایشان را به دیگران انتقال می دهند.

متأسفانه امروزه منتقدان با دشنه به جان تار و پود نوشته ها و آثار می افتند و فقط چون اثری در چهارچوب قوائد آنها قرار نگرفته آن را طرد می کنند، حال آنکه موجدیت آثار نه به خوش آمد منتقدین بلکه در دست زمانه است، زمانه به خودی خود منتقد خوبی است بر آثار عرضه شده یک هنرمند.

من وانیس کاواچی سینگر نیستم، اما چندان هم با آن تفاوتی ندارم. یا لاقفل در یک صورت شاید شسه او هم باشم، و آن در احساس ناخوشایندی است که سرانجام مجبور میشود به جای داستان از اسبها سخن به میان آورد. چرا که سر در گمی در این همه بایدها و نبایدها و قائل گرفتن در حیطه دستورالعمل های ادبی بسیار و قوانین دست و پا گیر ادبی که منسب به نوعی در بوجود آمدن آن سهیم بوده، سرانجام او را دچار نوعی آشفتگی می کند که چاره ی خود را در فرار از این همه قوانین و قوائد می بیند و ناخودآگاه از چیزی سخن به میان می آورد که شاید هیچ شباهتی به داستان نداشته باشد، اما مگر چاره ای هم جز این دارد. ولو اینکه باید فرق یک داستان نویس با یک نویسنده را در نظر بگیریم، داستان نویس با توسل به شگردهای خاص داستانی تعریف شده، سعی در هر چه بهتر ارائه کردن داستانهایش و مورد پسند بودن آن از سوی خوانندگان و منتقدین دارد، ولی یک نویسنده هنرمندی است که حقیقت هنر را درک کرده و کلمات بدون توجه به قوائد و شگردهای داستانی از درون او سرچشمه می گیرند و البته این بدین معنی نیست که باید بدی ها را خوب جلوه داد، بلکه نویسندگان و هنرمندان باید به نگاه فرزندان بر آثار و نوشته های خود بنگرند و سعی در هر چه بهتر تربیت کردن فرزندانشان بنمایند.